

شکست!!!

مجموعه دل‌نوشته‌ها و داستانک‌ها

و عی بز دانی راد

- سرشناسنامه یزدانی‌راد، علی، ۱۳۳۴ -
- عنوان و نام‌پدیدآور شکست: مجموعه داستانک‌ها و دل‌نوشته‌ها /
علی یزدانی‌راد.
- مشخصات نشر مشهد: طنین قلم، ۱۳۹۶.
- مشخصات ظاهری ۱۱۲ ص.
- شابک ۹۷۸-۶۰۰-۸۷۶۰-۱۸-۴
- وضعیت فهرست‌نویسی .. فیپا
- موضوع داستان‌های فارسی -- قرن ۱۴
- موضوع Persian fiction -- 20th century
- هیندی کنگره ۱۳۹۶ ش ۸ / ۳۶۳۴ / PIR۸۳۶۵
- رده‌بندی ۸ فا ۳/۶۲
- شماره کتابشناسی ملی ۴۸۵۲۲۲۱

www.ketab



شکست

نویسنده: علی یزدانی

ناشر: انتشارات طنین قلم

صفحه‌آرایی: شیما طاهریون

طراح جلد: وحید عباسی

نوبت چاپ: قطع رقعی / چاپ اول، ۱۳۹۶

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۷۶۰-۱۸-۴

قیمت: ۱۵۰۰۰ تومان

نشانی ناشر: Taninghalam@yahoo.com

شماره تلفن: ۰۹۱۵۱۰۹۴۶۹۵

فروشگاه اینترنتی کتاب: www.ketab.ir/taninghalam

پیش درآمد

در همین آغاز سخن اگر مدعی شوی که: «داستانک فرزند زمانه خویش است» و بخواهیم بر این ادعا پافشاریم، باید نخست بگوییم «زمان خویش» را بشناسیم و این که در چنین زمانی چه ضرورت‌هایی پذیرفتنی است و آن‌گاه به تعریف داستانک بپردازیم.

شاید مهم‌ترین ویژگی زمانه کنونی، سرعت شتابان انجام امور باشد. زمانه‌ای که در حوصله‌ی تنگ اوقات آن اندک مجال‌ی برای درنگ‌ها و تأملات ژرف یافته شود. انسان‌های دچار چنین زمانه‌ای چنان در چنبره چیرگی فرهنگ ماشین محو و ذوب می‌شوند. ای نوین با ضرباهنگی شتابان، گرفتار آمده‌اند که بایسته‌ترین نیازهای عاطفی و فرهنگی خرد را با در فرصت‌هایی می‌توانند باز یابند که کاربرد ناگزیر این فن‌آوری‌ها برایشان فراهم ساخته باشد.

پیداست آدم‌های چنین عصری را کمتر درنگ و حوصله‌ی آن است که در فرآیندی چنین شتابان و تنگ دم، بنشینند و مثلاً داستان‌ها و رمان‌های چند جلدی که سهل است حتی داستان کوتاهی در حد بیست صفحه بخوانند.

البته همین‌جا باید روشن ساخت که اصولاً موضوع کمبود گرایش به مطالعه و مشکل

کتاب نخواندن به عنوان یک تهدید فرهنگی در جامعه کنونی ما، خود حدیث غمناک دیگری است و به سخن ما مستقیماً مربوط نمی‌شود.

پس در چنین احوالی کوتاه بودن و کمتر زمان بردن می‌تواند به خودی خود برای هر نوشته‌ای، برتری و امتیاز به شمار آید. در همین زمانه است که کاربرد «ک» کوچک ساز (ک تصغیر) آنگاه که پسوند هر ابزار ارتباطی گردد، پذیرش همگانی بیشتری دارد همچون پیامک یا همین داستانک و بسا «ک» های کوچک ساز دیگری که احتمالاً در راهند.

اما مولفه‌ی دوم جمله‌ی آغازین «داستانک» است. اگر برای شناختن و بازیابی وایی‌های ژانر ادبی به منابع موجود نظر افکنیم، می‌بینیم که در زبان فارسی منابع بسیار اندکی برای معرف «داستانک» در اختیار داریم. پس ناگزیر اندکی بیشتر به معرفی و شناسایی این گریه کمتر شناخته شده در گستره ادبیات داستانی می‌پردازیم.

در کتاب «ره‌ها» در داستان نویسی، فرهنگ تفصیلی اصطلاح‌های ادبیات داستانی «ژانر ادبی «داستانک» چنین معرف شده است:

داستانک یا داستان کوتاه در تان به نثر است که از داستان کوتاه جمع و جورتر است واز پانصد کلمه کمتر واز هزار و پانصد کلمه بیشتر نیست و در آن عناصر کشمکش و شخصیت پردازی و صحنه و دگر عناصر داستان کوتاه، مقتصدانه و ماهرانه بکار رفته است. (میرصادقی و ذوالقدر- ۱۳۷۷- صفحه ۱۰۰)

نمونه دیگر در این باب تعریف «هیو هلمن و ویام» در کتاب راهنمای ادبیات است که چنین می‌گوید:

«داستانک داستانی بسیار کوتاه است که بین پانصد کلمه تا دوهزار کلمه دارد و معمولاً به نحو نامنتظر و شگفت آور تمام می‌شود». این نویسندگان در بنای دیگری از همین کتاب «آشنایی زدایی و تفسیری نقادانه از فرهنگ مسلط اجتماعی را از کارکردهای ژانر داستانک بر شمرده‌اند (دکتر حسن پاینده- فصلنامه پژوهش‌های ادبی- شماره ۱۲ و ۱۳- تابستان و پاییز ۱۳۸۵).

اما اشاره به چگونگی پایان روایت در داستانک، در منبع دیگری نیز آمده است:

«داستانک همه عناصر داستان کوتاه را با ایجاز و اختصار شامل می‌شود و غالباً پایانی شگفت‌انگیز دارد» (ادبیات داستانی، قصه، داستان کوتاه و رمان- جمال میرصادقی- ۱۳۶۶).

از این نوشته‌ها چنین بر می‌آید که داستانک از دو نظر گاه کیفی و کمی قابل شناسایی است. از نظر کمی و اندازه‌شناسی داستانک اگرچه بین پانصد کلمه و دوهزار کلمه تعریف شده اما در دیدگاه گسترده‌تر پژوهشی، در نظر گرفتن این محدودیت واژگانی را نمی‌توان حکم قطعی و مسلم تلقی نمود و تنها می‌توان آن را معیاری برای حدود و اندازه دانست. مانند این شعر سعدی در باب دوم گلستان، که آن را کوتاه‌ترین داستان‌های جهان دانسته‌اند:

مردی که شب بر سر بیمار گریست چون صبح شد او ببرد و بیمار بزیست

و این کوتاه‌ترین داستان که با هر تعریف و شناسه‌ای می‌توان آن را یک داستانک کامل دانست، تنها از ۱۶ کلمه استفاده شده است.

اما درباره‌ی شناسایی و معرفی داستانک از نظر کیفیت و چگونگی، آن چه در تعاریف بالا آمد، یکی ناظر بر پایان‌ندی داستانک است و دیگری متوجه آشنایی‌زدایی و نقادی اجتماعی است. در این جا باید این توضیح ضروری را مورد تأکید قرار داد که این دو ویژگی کیفی داستانک افزون بر ویژگی‌های عام است که برای داستان کوتاه قایلیم. به بیانی دیگر داستانک باید تمام ویژگی‌های داستان کوتاه را به صورت اعم و این دو ویژگی را به صورت اخص، دارا باشد.

اکنون اگر بخواهیم به گونه‌ای فشرده و اجمالی جایگاه داستانک را به عنوان گونه خاصی از شاخه داستان کوتاه در درخت ادبیات داستانی بازشناسیم، پس از اشاره به ویژگی‌های خاص آن، باید با چنین اشاراتی به مشترکات و ویژگی‌های عام این نوع ادبیاتی کوتاه افکنیم: دید نویسنده داستان کوتاه (داستانک) دیدی پیراینده است. نویسنده اثر را می‌تراشد تا آن چه را که اضافی است از آن بپیراید و آن چه را که ذات است باقی بگذارد. و این طبق به نوعی جوهر و خلوص برسد. چنین اثر خاصی همیشه ماندنی است، ازین رو ایجاز (با توجه به گستردگی) و فشرده‌گی (با توجه به تکنیک) و وحدت (با توجه به درونمایه) از عناصر مهم داستان کوتاه به شمار می‌آیند.

منظور از داستان کوتاه (داستانک) کوتاه بودن در همه ابعاد آن نیست. کوتاه بودن، کم‌مایه بودن و مختصر بودن معنی نمی‌دهد. داستان کوتاه (داستانک) معنای بلند و متعالی زندگی را به خواننده القا می‌کند.

داستان کوتاه (داستانک) هنری اغواکننده است. کوتاه است و وسوسه‌انگیز، نوشتنش آسان به نظر می‌آید حال آن‌که چنین نیست. بسیاری از رمان‌نویسان بزرگ و پر آوازه به اعتراف خود هر چه تلاش کردند نتوانستند داستان کوتاه کامل و تمام‌عیاری بنمایند.

داستان کوتاه (داستانک) انعطاف‌پذیرترین نوع ادبیات داستانی به شمار می‌رود. در واقع داستان کوتاه (داستانک) با شعر مشترکات و خویشاوندی بیشتری دارد تا با رمان. از آن‌جا که «بیات» ریشه از پشتوانه شعری گسترده‌تر و غنی‌تری برخوردار است، چه بسا که گرایش نویسندگان به «داستان کوتاه» از همین موضوع مایه گرفته باشد.

(داستان‌های کوتاه ایرا و همان - به کوشش صفدر تقی‌زاده و اصغر الهی - انتشارات توس - بهار ۱۳۶۸ - جلد اول - صفحات ۸ تا ۱۰)

حال با این شناخت کوتاه که از داستانک به صورت عام بدست آمد، به اختصار به داستانک‌های «علی یزدانی» در این کتاب می‌پردازیم. شاید برای خوانندگان این داستانک‌ها لازم آید که نگارنده با توجه به شناخت بیشتر از سی و پنج ساله‌اش از نویسنده داستانک‌ها، اشاره‌ای کوتاه به پیشینه هنری ایشان بنماید.

دوست گرامی و دیرینه‌ام «علی یزدانی» را از طریق کتاب شناخته‌ام. از کارهای تناتری مشترکی که در سال‌های نخستین دهه شصت در مشق اجرا می‌شد، او اگرچه در زمینه بازیگری و کارگردانی تناتر برجسته می‌نمود، اما از همان آغاز، آثار تلمی و نمایش‌نامه‌هایی که می‌نوشت، از نوعی دیگر بود. او از زمانی که به نوشتن نمایش‌نامه و متون نمایشی روی آورد، هویتی کاملاً مستقل و شناسنامه‌دار از خویش ظاهر ساخت.

متن‌های نمایشی او سخت جاندار، دردمند، کوتاه و سرشار از عناصر واژگانی طبیعی و اقلیمی زادگاهش (تربت جام) بود. نیک‌بختانه او در تمام مدت این سی و پنج سال و

علیرغم تمام فراز و نشیب‌ها ارتباط و پیوستگی‌اش را با هنر نمایش نگسته است. گاهی هم که زمانه بر او تنگ می‌گشت و سختی افزون‌تر، به نوشتن نمایش‌نامه اکتفا می‌کرد و این پیوند را همواره پاس می‌داشت.

با استناد به گفتاری که در سطرهای پیشین در باره داستانک بیان شد که از جمله آن را به شعر نزدیک انگاشت، در مورد نوشته‌های «علی یزدانی» اعم از نمایشنامه‌ها یا همین داستانک‌ها نیز وجود عنصر مشترک شعر و شاعرانه نگریستن کاملاً آشکار است. در کنار این عنصر محتوایی، نوشته‌هایش هم دارای سویه‌های اجتماعی است و هم دلبسته جوانب بومی و منطقه‌ای که توانسته این امتیازات را با نثری برآمده از گفتار روزمره مردم خراسان همراه سازد. بسیار خرسندم که دوست هنرمندم اکنون در عرصه فعالیت‌های تئاتری و هنری در تربیت هم و سازش چهره شناخته شده‌ای است.

با ملاحظه چنین زمینه‌ای از تجارب نوشتاری و نمایشی، «علی یزدانی» را برخوردار از اهلیت و صلاحیت لازم برای ورود در قلمرو نوشتن داستانک خواهیم یافت. سال‌ها تجربه حضور در عرصه بیان نمایشی و داستانی و آشنایی با شگردهای بیانی در داستان و نمایش، به صورتی طبیعی منجر به زاده شدن قالبی نو و دگرگون از بطن پر بار این تجربه‌ها شده است.

اگر «حرکت» و «گفتار» را بن‌مایه اصلی هر نمایش، شمار آوریم، چنین مولفه‌هایی در کار آفرینش و پرداخت داستانک، سخت به کار می‌آید. در پی نمایشنامه‌نویس ما به چیره‌دستی خلاصه و فشرده یک نمایش کامل را در انتها پریشان‌صحنه و در فرصت کوتاهی که تا افتادن پرده مانده، ناگاه همه‌ی روایت نمایش را در دهانه‌ی با تصویری غافلگیرکننده تمام کند و بیننده یا بهتر خواننده را در بهتی تفکرانگیز بر جای گذارد. چرا که داستانک قادر است تمام گفتگوها و کنش‌های یک درام را در صحنه‌ی کوچک خویش فشرده ساخته، تا از آن معانی بلند خیزد.

بر چنین زمینه‌ای تصمیم «علی یزدانی» را برای چاپ و انتشار نخستین جلد از داستانک‌هایش را به فال نیک می‌گیریم و این فال نیک را با این آرزو همراه کنیم که وجود

نویسندگان توانا و برخوردار از تجارب هنری بتواند در غنا بخشیدن به این نهال نوپای ادبی یاری رسانند.

برای نگارنده که از دیرباز خواننده نوشته‌های «علی یزدانی» از جمله داستانک‌هایش بوده - و تعدادی از آن‌ها را در این کتاب می‌خوانیم -، حالا این دست از نوشته‌هایش را کاملاً هویت‌مند و مستقل می‌دانم. در این داستانک‌ها علیرغم داشتن ویژگی‌های مشترک، از شیوه‌های بیانی متفاوتی استفاده شده است. یکی از این شیوه‌ها که در برخی از داستانک‌ها نمودی بارز و آشکار دارد، طنزگرایی نویسنده هم در فرم بیانی و هم در نوع نگاه به بیرونمایه و مضمون نوشته‌هاست. طنزی برآمده از تناقض و تلخی زمانه که بارویکرد منتقدانه - جامعه‌شناسانه - ششین است. پرداختن به مسائل اجتماعی و نقد رفتارهای عمومی در این زمینه وجه مشترک شخصیت‌های ملموس و آشنای روایت‌ها، رویدادهای واقعی و البته گاه نامنتظر همه از ویژگی‌های عام همه این داستانک‌هاست.

«علی یزدانی» اما نویسنده‌ای فرم‌گراست، و خوب دریافته است که فرم و صورت‌بندی روایت می‌تواند مهم‌ترین عامل جذاب‌سازی نوشته‌ها باشد. هم از این روست شاید که سایه فرم‌گرایی بویژه بر شیوه بیانی داستانک‌هایش سنگینی می‌کند. تازه اگر هم بخواهیم این فرم‌گرایی گاه ناپذیرفتنی را با نسبت ریزحه نویسنده به شعر توجیه کنیم باز هم مشکلی از ما و نویسنده حل نخواهد شد، اما این را همه می‌دانیم. بایریم که وجود این گرایش برای نویسنده‌ای مانند «علی یزدانی» که دغدغه‌های اجتماعی در آثارش موج می‌زند، تا آنجا که از تاثیر این دغدغه‌ها فرو نکاهد، در این حد آسیبی به شما نخواهد رفت. بدیهی است که بقای این شرط در ادامه آثارش به انتخاب خود او بستگی خواهد داشت.

با همه این‌ها نمی‌توان از این قوت و قابلیت داستانک‌های این مجموعه چشم‌پوشید که کیفیت روایی و ارتباط آن با مسائل عینی روزمره چنانست که براحتی می‌تواند در قالب یک پیامک یا دیگر ابزارهای فضاهای مجازی به عنوان خوراکی جذاب و توجه‌انگیز بکار گرفته شود و یا حتی گوشه صفحه روزنامه‌ای را بیاراید.

آرزویی که در سطرهای پیشین برای غنی ساختن داستانک‌های «علی یزدانی» خواستار

شدم را با دو امیدواری نیز همراه می‌کنم. نخست این که چاپ و انتشار این داستانک‌ها و دریافت نقد و نظر خوانندگان و صاحب‌نظران، نویسنده هوشمند ما را بر کاستی‌هایش آگاه کند و او بتواند با خطای کمتر راه کمال را بی‌یابد و امید دیگر این که با استقبال محتمل خوانندگان از این مجموعه، «علی یزدانی» شعرهای کوتاهش را که به صورت پراکنده در گوشه و کنار فضای مجازی خوانده شده را به صورتی پیراسته و نظم یافته، منتشر کند تا ادعای این نگارنده مبنی بر همگونی و همانندی بین داستانک و گونه‌ای از شعر، به دور از استناد نمانده باشد.

هادی قائمی

مشهد - اردیبهشت ۹۶